



آیات موضوع نفاق و بازگشت از مسیر صحیح

منبع رشته حفظ موضوعی بزرگسالان

مرحله مقدماتی کشوری

اداره کل فرهنگ دینی و انقلابی

اداره ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی

خرداد ۱۳۹۷

معنای نفاق:

نفاق، ایجاد سوراخی در زمین است که راه رهایی داشته باشد همانند سوراخ موش.^۱ نفاق عبارت است از داخل شدن در شرع و دین از راهی و خروج از آن از راه دیگر^۲، اظهار اسلام با اهل آن و مخفی کردن غیر اسلام در درون^۳، ظاهر و باطن متفاوت داشتن، دورویی، ریاکاری^۴ نفاق هم در ایمان است، هم طاعات، هم معاشرت با مردم. نفاق اعم از ریا است.^۵

اوصاف منافقین

دروغگویی صریح و آشکار:

- إذا جاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ . چون منافقان نزد تو آیند گویند: «گواهی می‌دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی.» و خدا [هم] می‌داند که تو واقعاً پیامبر او هستی، و خدا گواهی می‌دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند. (منافقون/۱)
- لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً. تا خدا راستگویان را به [پاداش] راستی‌شان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخوهد، عذاب کند یا بر ایشان ببخشد که خدا همواره آمرزنده مهربان است. (احزاب/۲۴)

استفاده از سوگندهای دروغین برای گمراه ساختن مردم:

- اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. سوگندهای خود را [چون] سپری بر خود گرفته و [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اند. راستی که آنان چه بد می‌کنند (منافقون/۲)

^۱فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۵، ص ۱۷۷.

^۲راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۰۲.

^۳فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۶۱۸.

^۴فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، ص ۷۸۸۲.

^۵نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۴۲۴.

عدم درک واقعیات:

- ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ. این بدان سبب است که آنان ایمان آورده، سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند (منافقون/۳)

داشتن ظاهری آراسته و زبانی چرب:

- وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يُقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ. و چون آنان را ببینی، هیكله‌ایشان تو را به تعجب وامی‌دارد، و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می‌دهی گویی آنان چوب‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند]: هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند. خودشان دشمنند از آنان بپرهیز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند. (منافقون/۴)

بدگمانی و ترس و وحشت:

- وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يُقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ. و چون آنان را ببینی، هیكله‌ایشان تو را به تعجب وامی‌دارد، و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می‌دهی گویی آنان چوب‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند]: هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند. خودشان دشمنند از آنان بپرهیز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند. (منافقون/۴)

خود را مالک همه چیز دانستن، و دیگران را محتاج به خود پنداشتن:

- هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ. آنان کسانی‌اند که می‌گویند: «به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند، و حال آنکه گنجینه‌های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند. (منافقون/۷)

خود را عزیز و دیگران را ذلیل، تصور کردن

- يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ. می‌گویند: «اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آنکه عزتمندتر است آن زبون‌تر را

از آنجا بیرون خواهد کرد.» و [الی] عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است لیکن این دورویان نمی‌دانند (منافقون/۸)

پنج صفت دیگر منافقان:

در سوره توبه نیز پنج صفت دیگر زنان و مردان منافق بیان شده است که عبارتند از: ۱- دعوت مردم به منکرات ۲- باز داشتن مردم از نیکی‌ها ۳- خودداری از انفاق ۴- فراموشی خدا ۵- فسق منافقان

- الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيهِمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. مرد و زن منافق جدا از یکدیگر نیستند که فرمان بید و ناپسند می‌دهند و ز نیکی جلو می‌گیرند و مشت بر هم می‌نهند [که دست نیکی بسوی کس دراز نمی‌کنند] و خدا را زیاد بردند و او هم اینان را فراموش شده ز مهر و آموزش نمود چه که همانا بد دلان بدکارانند (توبه/۶۷)

عوامل انحراف منافقین از زبان مومنین:

- يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ. آن روز، مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم.» گفته می‌شود: «بازپس برگردید و نوری درخواست کنید.» آن گاه میان آنها دیواری زده می‌شود که آن را دروازه‌ای است: باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد. (۱۳)

- يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّكُمْ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ. [دو رویان،] آنان را ندا درمی‌دهند: «آیا ما با شما نبودیم؟» می‌گویند: «چرا، ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما را غرّه کرد تا فرمان خدا آمد و [شیطان] مغرورکننده، شما را درباره خدا بفریفت. (۱۴)

- قَالِيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا أَوَّكُنَا النَّارَ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَ بئسَ الْمَصِيرُ. پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده‌اند عوضی پذیرفته نمی‌شود: جایگاهتان آتش است آن سزاوار شماسست و چه بد سرانجامی است. (حدید/۱۵)

آثار نفاق

زمینه ساز ارتداد و کفر:

- وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ.
همچنین کسانی را که دو رویی نمودند [نیز] معلوم بدارد. و به ایشان گفته شد: «بیااید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید.» گفتند: «اگر جنگیدن می دانستیم مسلماً از شما پیروی می کردیم.» آن روز، آنان به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان. به زبان خویش چیزی می گفتند که در دلهایشان نبود، و خدا به آنچه می نهفتند داناتر است. (آل عمران/۱۶۷)
- وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ وَ هِيَ بِمَا مَنَعَ پذیرفته شدن انفاقهای آنان نشد جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند، و جز با [حال] کسالت نماز به جا نمی آورند، و جز با کراهت انفاق نمی کنند. (۵۴)
فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ. اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد. جز این نیست که خدا می خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود. (توبه/۵۵)
- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ. ای پیامبر، با کفران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر، و جایگاهشان دوزخ است، و چه بد سرانجامی است. (۷۳)
يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَ هُمْ لَا يَنْتَهُونَ وَ مَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَ إِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَ لِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ. به خدا سوگند می خورند که [سخن ناروا] نگفته اند، در حالی که قطعاً سخن کفر گفته و پس از اسلام آوردنشان کفر ورزیده اند، و بر آنچه موفق به انجام آن نشدند همّت گماشتند، و به عیبجویی برخواستند مگر [بعد از] آنکه خدا و پیامبرش از فضل خود آنان را بی نیاز گردانیدند. پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر است، و اگر روی برتابند، خدا آنان را در دنیا و آخرت عذابی دردناک می کند، و در روی زمین یار و یابوری نخواهند داشت. (توبه/۷۴)

- وَ لَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُوا وَ هُمْ فَاسِقُونَ وَ هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست، چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند. (۸۴)

وَ لَا تُعْجِبَكَ أَمْوَالُهُمْ وَ أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ. و اموال و فرزندان آنان تو را به شگفت نیندازد. جز این نیست که خدا می‌خواهد ایشان را در دنیا به وسیله آن عذاب کند و جانشان در حال کفر بیرون رود. (توبه/۸۵)

- وَ إِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ. و چون سوره‌ای نازل شود، از میان آنان کسی است که می‌گوید: «این [سوره] ایمان کدام یک از شما را افزود؟» اما کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمانشان می‌افزاید و آنان شادمانی می‌کنند. (۱۲۴)

وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ. اما کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزود و در حال کفر درمی‌گذرند. (توبه/۱۲۵)

استهزا:

- وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ. و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند: «ایمان آوردیم»، و چون با شیطانهای خود خلوت کنند، می‌گویند: «در حقیقت ما با شماایم، ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم» (بقره/۱۴)
- يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِؤُا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ. منافقان بیم دارند از اینکه [مبادا] سوره‌ای در باره آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دل‌هایشان هست خبر دهد. بگو: «ریشخند کنید، بی‌تردید خدا آنچه را که [از آن] می‌ترسید برملا خواهد کرد.» (۶۴)

وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أَلَيْسَ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤُنَ. و اگر از ایشان بپرسی، مسلماً خواهند گفت: «ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم.» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را ریشخند می‌کردید؟» (توبه/۶۵)

افساد:

- وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ. و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد، و حال آنکه او سخت‌ترین دشمنان است (۲۰۴)
وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ وَ چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباہکاری را دوست ندارد. (۲۰۵)
وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهَا جَهَنَّمُ وَ لَبِئْسَ الْمِهَادُ. و چون به او گفته شود: «از خدا پروا کن» نخوت، وی را به گناه کشاند. پس جهنم برای او بس است، و چه بد بستری است. (بقره/۲۰۶)

انحطاط:

- فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَ اللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أ تُرِيدُونَ أَنْ تَهْتَدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا. شما را چه شده است که در باره منافقان، دو دسته شده‌اید؟ با اینکه خدا آنان را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند سرنگون کرده است. آیا می‌خواهید کسی را که خدا در گمراهی‌اش وانهاده است به راه آورید؟ و حال آنکه هر که را خدا در گمراهی‌اش وانهد هرگز راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت. (نساء/۸۸)

بخل:

- الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. مردان و زنان دو چهره، [همانند] یکدیگرند. به کار ناپسند وامی‌دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند، و دستهای خود را [از انفاق] فرو می‌بندند. خدا را فراموش کردند، پس [خدا هم] فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقانند که فاسقند. (توبه/۶۷)

- قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَ لَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا. خداوند کارشکنان [و مانع شونده‌گان] شما و آن کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند: «نزد ما بیایید» و جز اندکی روی به جنگ نمی‌آورند [خوب] می‌شناسد (۱۸)
أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا. بر شما بخیلانند، و چون خطر فرا رسد آنان را می‌بینی که مانند کسی

که مرگ او را فرو گرفته، چشمانشان در حدقه می‌چرخد [و] به سوی تو می‌نگرند و چون ترس برطرف شود شما را با زبانهایی تند نیش می‌زنند بر مال حریصند. آنان ایمان نیاورده‌اند و خدا اعمالشان را تبه گردانیده، و این [کار] همواره بر خدا آسان است. (احزاب/۱۹)

- وَ مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ. وَ از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. (۷۵)
- فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ. پس چون از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند، و به حال اعراض روی برتافتند. (۷۶)
- فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ. در نتیجه، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می‌گفتند، در دل‌هایشان - تا روزی که او را دیدار می‌کنند - پیامدهای نفاق را باقی گذارد (توبه/۷۷)

بطلان ذکر

- إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا. منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند. با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند (نساء/۱۴۲)

قلیل قلمداد شدن ذکر خدا از سوی منافقان به دلیل ناخالصی آن است .

ترک جهاد

- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَ لَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَ إِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ. مگر کسانی را که به نفاق برخاستند ندیدی که به برادران اهل کتاب خود - که از در کفر درآمده بودند - می‌گفتند: «اگر اخراج شدید، حتماً با شما بیرون خواهیم آمد، و بر علیه شما هرگز از کسی فرمان نخواهیم برد و اگر با شما جنگیدند، حتماً شما را یاری خواهیم کرد.» و خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغ‌گویانند. (۱۱)
- لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَ لَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَ لَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأُذُنَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ. اگر [یهود] اخراج شوند، آنها با ایشان بیرون نخواهند رفت، و اگر علیه آنان جنگی درگیرد [منافقان] آنها را یاری نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند حتماً [در جنگ] پشت خواهند کرد و [دیگر] یاری نیابند. (۱۲/حشر)

نپذیرفتن داوری اولیای الهی

- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا. آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند، و [الی] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد. (۶۰)
- وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا. و چون به ایشان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [او] بیایید»، منافقان را می‌بینی که از تو سخت، روی برمی‌تابند. (۶۱/نساء)

توجه‌گری

- فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا. پس چگونه، هنگامی که به [سزای] کار و کردار پیشینشان مصیبتی به آنان می‌رسد، نزد تو می‌آیند و به خدا سوگند می‌خورند که ما جز نیکویی و موافقت قصدی نداشتیم؟ (۶۲)
- أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا. اینان همان کسانی هستند که خدا می‌داند چه در دل دارند. پس، از آنان روی برتاب، و [الی] پندشان ده، و با آنها سخنی رسا که در دلشان [مؤثر] افتد، بگوی. (۶۳/نساء)

سوء ظن

- وَ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا . و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است! (۶/فتح)
- وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا. و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: «خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند.» (احزاب/۱۲)

ضلالت

- فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَ اللَّهُ أَرَكْسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أ تُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا. شما را چه شده است که در باره منافقان، دو دسته شده‌اید؟ با اینکه خدا آنان را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند سرنگون کرده است. آیا می‌خواهید کسی را که

خدا در گمراهی‌اش وانهاده است به راه آورید؟ و حال آنکه هر که را خدا در گمراهی‌اش وانهد هرگز راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت. (نساء/۸۸)

محرومیت از پاداش

• وَ لَا يَخْزَنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنُ يُضْرَبُوا اللَّهَ شَيْئاً يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. و کسانی که در کفر می‌کوشند، تو را اندوهگین نسازند که آنان هرگز به خدا هیچ زبانی نمی‌رسانند. خداوند می‌خواهد در آخرت برای آنان بهره‌ای قرار ندهد، و برای ایشان عذابی بزرگ است (آل عمران/۱۷۶)

محرومیت از مغفرت

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. برای آنان یکسان است: چه بر ایشان آمرزش بخواهی یا بر ایشان آمرزش نخواهی، خدا هرگز بر ایشان نخواهد بخشود. خدا فاسقان را راهنمایی نمی‌کند. (منافقون/۶)

وابستگی سیاسی به بیگانگان

• بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً . به منافقان خبر ده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت (۱۳۸)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أ يَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً. همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است،] چرا که عزت، همه از آن خداست. (نساء/۱۳۹).

قطع رحم

• وَ يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ ذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَعْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَى لَهُمْ . و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «چرا سوره‌ای [درباره جهاد] نازل نمی‌شود؟» اما چون سوره‌ای صریح نازل شد و در آن نام کارزار آمد، می‌بینی آنان که در دل‌هایشان مرضی هست، مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو می‌نگرند (۲۰)

طَاعَةً وَ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْراً لَهُمْ . [ولی] فرمان‌پذیری و سخنی شایسته برایشان بهتر است. و چون کار به تصمیم کشد، قطعاً خیر آنان در این است که با خدا راست [دل] باشند (۲۱)

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ . پس [ای منافقان،] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید (محمد/۲۲)